

دانشگاه و اقتصاد مقاومتی: بررسی تأثیر دانشگاهها بر تحقق اقتصاد مقاومتی با میانجی‌گری زیرساخت فرهنگی* ◆

جعفر عموزاده¹
وحید فلاح²
سعید صفاریان³

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی نقش دانشگاهها در تحقق اقتصاد مقاومتی از طریق زیرساختهای منابع انسانی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. **روش:** جامعه پژوهش را اساتید دانشگاههای مازندران به تعداد تقریبی 3500 نفر تشکیل می‌دهند. پرسشنامه محقق‌ساخته این تحقیق، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، در بین 470 نفر از اعضای جامعه، توزیع و تعداد 420 پرسشنامه صحیح جمع‌آوری شد. به منظور تحلیل داده‌ها از رویکرد معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشگاه بر زیرساخت فرهنگی با ضریب 0/76 تأثیر معناداری دارد. از طرفی، زیرساخت فرهنگی نیز با ضریب تأثیر 0/82 بر اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد. همچنین زیرساخت فرهنگی نقش میانجی‌گری ناقص را در ارتباط بین دانشگاه و تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که تأثیر دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی با حضور متغیر زیرساخت فرهنگی به عنوان میانجی امکان‌پذیری بیشتری دارد. هرچند دانشگاه به طور مستقیم نیز بر اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: دانشگاه، زیرساخت فرهنگی، تحقق اقتصاد مقاومتی، نقش میانجی.

◆ دریافت مقاله: 96/03/25؛ تصویب نهایی: 96/10/09

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته مدیریت آموزشی است.

1. دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ساری، مربی (مدعو)، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده فرهنگیان، قائمشهر.
2. دکتری تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی. عضو هیئت علمی و استادیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ساری (نویسنده مسئول) / نشانی: ساری؛ جاده خزرآباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری / نمابر: 01142376817 / Email: vahidfallah20@yahoo.com
3. دکتری مدیریت آموزشی. عضو هیئت علمی و استادیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ساری.

الف) مقدمه

در سند چشم‌انداز بیست ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی، «ایران کشوری است توسعه‌یافته، مردم‌سالار دینی، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه...»؛ و اما پیوستگی مردم و حکومت، «فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران مفتخر به ایرانی بودن، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، فعال و مؤثر در جهان اسلام با نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی» هدف‌گذاری شده است. اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که لزوم اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند (غفارپور و پورحاجتی، 1391). لذا در عصر حاضر به سبب محدودیت در منابع مالی و اقتصادی، اقتصاد کشورها به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین چالش تمامی جوامع مطرح بوده و از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این میان، کشورهایی که دارای منابع و سرمایه مادی و انسانی بیشتری باشند، توسط کشورهای قدرتمند تهدید می‌شوند. در فضای پیچیده جهانی، راه حل مقابله و ایجاد مدل جدید اقتصادی برای مقابله با تهدیدها، مدل اقتصاد مقاومتی است. در این پژوهش نقش دانشگاهها در ایجاد زیرساخت فرهنگی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بررسی می‌شود تا منتج به یک مدل شود.

رز¹ (2013) و روس² (1997) از اقتصاد مقاومتی به مثابه آغازی برای تحقیقات تجربی یاد کرده‌اند. آنان اقتصاد مقاومتی را به صورت توانایی کاهش تلفات ناشی از شوک اقتصادی تعریف می‌کنند که در سطح خرد (شرکتها و افراد)، میانی (گروهها، بخشها و خوشه‌ها) و کلان (مناطق، کشورها) نمود پیدا می‌کند. از منظر آنان؛ اقتصاد مقاومتی ایستا، توانایی برای حفظ عملکرد بدون نیاز به بازسازی و اقتصاد مقاومتی پویا، تغییر بهبود سریع پس از ایجاد شوک اقتصادی است (وان برجیک،³ 2016). لذا داشتن اقتصاد پویا، رو به رشد، با ثبات و کارایی بالا که بتواند رفاه و آسایش را برای مردم فراهم کند، از اهداف اصلی هر کشوری است.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که انسان، محور توسعه آن است. در این میان، پرورش و حفظ سرمایه انسانی برای دستیابی به آرمان اقتصاد مقاومتی ضرورت انکارناپذیر است. نقش دانشگاهها نیز برای تحقق اقتصاد مقاومتی از اهمیت زیادی برخوردار است (قاسمی، 1391: 21). دانشگاه به عنوان کانون اصلی علمی و تحقیقاتی، باید خود را با تغییرات داخلی و خارجی تطبیق دهد. عواملی مانند جهانی‌سازی، به همراه عوامل دیگر به عنوان جزئی از روند کلی به سوی توسعه سریع بازار دانش، ارتباط دانشگاه با جامعه را دچار تغییرات اساسی کرده‌اند (اترکویتز و لیدزدورف،⁴ 2000). تبدیل ایده و دانش به محصول و کالا و تجاری‌سازی آن، از وظایف و کارکردهای دانشگاه است که دانشگاه می‌تواند از طریق تأثیر فرهنگی بر بخش خصوصی، دولت و مردم، به تحقق آن کمک کند.

1. Rose

2. Roos

3. Van Bergeijk

4. Etzkowitz & Leydesdorff

ب) مبانی نظری

1. اقتصاد مقاومتی، دانشگاه، زیرساخت فرهنگی

یک تعریف قدیمی اما پرمحتوا از اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود برای ارضای خواستههای نامحدود است و کلمه‌ای که سبب پدید آمدن علم اقتصاد شده، «کمیابی» است (سعیدی‌کیا، 1384: 18). در ادبیات اقتصاد مقاومتی رایج در جهان، اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» وجود ندارد؛ ولی عبارت نزدیک به مفهوم آن، اصطلاح «جهنگی اقتصادی» است که به توان یک کشور به ایستادگی در برابر شوکهای خارجی گفته می‌شود (بریگولیو و استفن،¹ 2009). واژه مقاومت، واژه‌ای است که معنایی روشنفکرانه و اهمیتی عاطفی دارد و برای کشور ایران مهم است (توماج،² 2014). در علم اقتصاد، برخی مقاومت را معادل تاب‌آوری دانسته‌اند (مالاک،³ 1998؛ لین و مکاران، 2013). لذا اقتصاد مقاومتی را نیز تاب‌آوری اقتصادی می‌دانند؛ به این معنا که یک سیستم (مثل کشور) بتواند در برابر شوکها، تحریمها و تکانها از خود محافظت کند و نقاط آسیب‌دیده اقتصادی را سریع‌تر بازیابی کند (ویلسون،⁴ 2010). علاوه بر این، اصطلاح تاب‌آوری اقتصادی به دو مفهوم می‌تواند استفاده شود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبودی سریع از شوکهای اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر اثرات این شوکها. با این حال، رُز، اقتصاد مقاومتی را به صورت توانایی کاهش تلفات ناشی از شوک اقتصادی تعریف می‌کند. اقتصاد مقاومتی در سطح خرد (شرکتها و افراد)، میانی (گروهها، بخشها و خوشه‌ها) و کلان (مناطق، کشورها) نمود پیدا می‌کند (وان برجیک، 2016). تعریف دیگر اقتصاد مقاومتی عبارت است از سیاستگذاری⁵ و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه‌جانبه نظام سلطه (عبدالملکی، 1395). اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد منزوی قرار دارد؛ اقتصاد مقاومتی از ویژگی استقلال و خودکفایی بهره‌مند است و تلاش می‌کند آسیب‌پذیری خود را به حداقل برساند. همچنین این اقتصاد، در تعامل با سایر اقتصادها قرار دارد؛ بدین معنا که یک اقتصاد منزوی و بسته نیست (آجیلی، 1392). در واقع؛ اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی اقتصادی بومی و علمی و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی تعریف شده است (حشمتی و مولای، 1394). اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری و عملی برای مدلسازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریمها بیش از پیش آماده ساخته است. (میرکازهی، 1394)

اصطلاح اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در ایران در سال 1389 از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور، مطرح و پس از آن نیز در سخنرانی‌های متعدد ایشان، بر آن تأکید شد. منتظر (2016) در مطالعه خود به بیان ارکان اقتصاد مقاومتی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی پرداخته است که شامل پنج بُعد اصلی است. بُعد اول، مقاوم بودن اقتصاد است. وظیفه افراد جامعه این است که سعی کنند کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ و غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنند و نگه دارند؛ این یکی از اقتضانات «اقتصاد مقاومتی» است. یک رکن

1. Briguglio & Stephen

2. Toumaj

3. Mallak

4. Wilson

5. Policy

اساسی و مهم در اقتصاد مقاومتی، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار گیرد، مقاومت کند. دومین بُعد، استفاده از همه ظرفیتهای مردمی و دولتی است. باید با استفاده از قابلیت‌های بخش دولتی و خصوصی، به قدرت اقتصاد و اقتصاد مقاومتی کمک کرد. سومین بُعد، حمایت از تولید ملی است. مهم‌ترین ستون اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی، صنعت و کشاورزی است. چهارمین بُعد اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. منظور از مدیریت مصرف، اسراف و استفاده از تولیدات داخلی است. برای جلوگیری از اسراف نیاز است فرهنگ‌سازی و اقدام عملی صورت بگیرد. برای تحقق این امر، باید از خود دولت آغاز کرد و با همراهی مردم ادامه داد. بُعد پنجم هم مدیریت منابع ارزی است. در این تحقیق، چهار بُعد اول مد نظر قرار گرفتند.

«اقتصاد مقاومتی یک تفکر و مطالبه عمومی است و دانشگاه دارای استاد، دانشجو و اقتصاددان است. لذا دانشگاه باید با زبان دانشگاهی، ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کند و حدودش را مشخص کند؛ یعنی آن اقتصادی را که در شرایط فشار، تحریم و دشمنی‌ها می‌تواند تضمین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد» (خان‌ای، 1389). لذا چشم‌انداز اقتصادی باید تقویت پایداری و مقاومت اجتماعی و اقتصادی (و همچنین فرهنگی) و بالاتر از رشد اقتصادی باشد (آلا، سام و سامر، 2012). در این راستا، منابع انسانی، عناصر هوشمندند که با مهارت و خلاقیت خود، اقتصاد را مستحکم می‌سازند. سرمایه دانشی، رکن مهم در استحکام بخشی اقتصاد مقاومتی است؛ چون بهره‌وری بیشتری را رقم می‌زند و پشتوانه حرکت‌های بزرگ اجتماعی است. در این فرایند، نظام آموزشی گذرگاه نیل به دانایی است. نظام آموزشی با تربیت نیروی انسانی و تأثیرگذاری این افراد روی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، می‌تواند فرهنگ اقتصاد مقاومتی را به یک باور عمومی تبدیل کند (مصلى‌زاد، 1384). لذا سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌ها منبع مهمی برای تبدیل منابع انسانی به سرمایه انسانی و راه تحقق اقتصاد مقاومتی است. مهم‌ترین نقش دانشگاه در تحقق اقتصاد مقاومتی، فرهنگ‌سازی میان عامه مردم است. به این دلیل، دانشگاه بهترین مکان برای پرداختن و تئوریزه کردن ایده‌هاست. در این راستا، دانشگاه‌ها می‌توانند با اجرایی کردن طرح تشکیل کمیسیون‌های اقتصاد مقاومتی در سطوح اساتید و دانشجویان، به بحث و گفتگو پیرامون موضوعات اصلی اقتصاد مقاومتی بپردازند.

نقش تولید و زیرساخت‌های فرهنگی در کشور نیز اساسی و محوری است و این همان نکته‌ای است که همه اقتصاددانان بر آن تأکید کردند. در این میان، دانشگاه‌ها و دانشجویان با توجه به جایگاه ملی در کشور، می‌توانند از طریق زیرساخت‌ها، نقش اساسی و راهبردی در اقتصاد مقاومتی داشته باشد. همچنین این نگاه در جامعه نهادینه می‌شود که اقتصاد مقاومتی می‌تواند رفاه زندگی فردی و اجتماعی را به دنبال داشته باشد. در ضمن نباید این نکته مهم را از نظر دور داشت که اعتماد جامعه به دانشگاه‌ها سبب می‌شود دانشگاه‌ها در قالب کمیته‌های اقتصاد مقاومتی، کاربردی کردن این ایده‌ها را دنبال کنند و از ظرفیت خود برای همراه کردن مردم با این طرح‌ها استفاده کنند (بیگامی و همکاران، 1395). در کشور ما، فعالیت‌های تجاری‌سازی دانشگاه‌های داخلی، اغلب در حد ایجاد پارک‌های علم و فناوری محدود

دانشگاه و اقتصاد مقاومتی: بررسی تأثیر دانشگاهها بر تحقق اقتصاد مقاومتی ... ♦ 93

شده است که خروجی چندانی به بازار کسب و کار ارائه نمی‌دهند (سلام‌زاده و همکاران، 2015). از طرفی، دانشگاههای نسل دوم از لحاظ فرهنگی، قابلیت تأثیرگذاری بر اقتصاد و مدیریت جامعه را دارند. این رو، ایجاد زیرساخت فرهنگی در دانشگاههای ما ضرورت دارد؛ زیرا بدون دستیابی به چنین دانشگاههایی، نتایج تحقیقات علمی سرنوشتی جز انبار شدن در مخازن دانشگاهی و کتابخانه‌ها نخواهند داشت و به ندرت به فعالیتهای و محصولات و خدمات تبدیل می‌شوند (قاعی، کردینگ و یزدانی، 2010). در ایالات متحده، مسیر توسعه دانشگاه از تدریس تا پژوهش و کارآفرینی، در یک توالی به ظاهر خطی حرکت می‌کند. با این حال، این پرسش به ویژه برای کشورهای در حال توسعه و مشتاق سرعت بخشیدن به توسعه دانشگاهی و اقتصادی مطرح است که: آیا یک زیرساخت ضروری برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ آیا باید توسعه توانایی‌های تحقیقات مقدم بر فعالیتهای فرهنگی باشد یا توسعه دانشگاهی (علمی) به طور مستقیم و غیر مستقیم با تحقق اقتصاد مقاومتی می‌تواند رخ دهد؟ با توجه به مطالب بیان شده، نقش دانشگاهها بر زیرساخت فرهنگی و تحقق اقتصاد مقاومتی و نقش زیرساخت فرهنگی بر تحقق اقتصاد مقاومتی در این پژوهش بررسی شد. لذا فرضیه اول تا سوم اینگونه تبیین می‌شود:

- فرضیه اول: دانشگاه بر زیرساخت فرهنگی کشور تأثیر دارد.

- فرضیه دوم: زیرساخت فرهنگی بر تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد.

- فرضیه سوم: دانشگاه بر تحقق اقتصاد مقاومتی کشور تأثیر دارد.

2. نقش میانجی زیرساخت فرهنگی

نظریه‌های پیشین توسعه، به نقش صنعت و سرمایه فیزیکی¹ در توسعه و رشد توجه داشته‌اند؛ اما امروزه به عواملی همچون: رهبری، استعداد، ذوق و حتی شهرت (نام تجاری)² توجه می‌شود. امروزه سرمایه انسانی با مفاهیمی مثل سرمایه اجتماعی³ پیوند خورده است. سرمایه اجتماعی ترکیبی از اعتماد اجتماعی و روابط اجتماعی است. حسن نیت، ارزشمندی، همبستگی اجتماعی و انعطاف‌پذیری اجتماعی می‌توانند در اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرند (فنی، 1393). بدون شک مهم‌ترین مؤلفه در فرایند استقرار اقتصاد مقاومتی، نقش مردم، دولت و نیروی انسانی کارا و متخصص در اجرای وظایف و امورات محوله است.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی متکی بر علم و دانش است. اولین مقدمه در اقتصاد متکی بر دانش و فناوری، انتقال دانش و فناوری است که خود آن، نیازمند ظرفیت جذب⁴ است. پس گام اول، ایجاد قابلیت جذب است. قابلیت جذب در محیطهای آموزشی به وجود می‌آید (درخشان، 1393). دانشگاه می‌تواند از طریق راهبری پایان‌نامه‌ها و

1. Physical Capital

2. Brand

3. Social Capital

4. Absorption Capacity

طرحهای پژوهشی در مسیر تحقیقات بنیادی توسعه‌ای و کاربردی در زمینه اقتصاد مقاومتی، به غنای بیشتر این مبحث بیافزاید و راهکارهایی اجرایی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور ارائه کند.

موضوع زیرساخت فرهنگی نیز یکی از موضوعات مرتبط با تحقق اقتصاد مقاومتی است. در حقیقت؛ کار فرهنگی، انسانی می‌سازد که در همه ابعاد، «مقاومت» تکلیف او می‌شود (اسدی، 1393). جریان اقتصاد مقاومتی یک جریان فرهنگی و در بستر انقلاب اسلامی است. در حقیقت؛ اقتصاد مقاومتی الگویی الهام‌بخش از اقتصاد اسلامی را عینیت می‌بخشد. پس حتماً باید دید ایدئولوژیک و فرهنگی نسبت به آن داشت؛ چرا که برگشت آن به اسلام است (درخشان، 1393). تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، بدون توجه به زیرساختهای فرهنگی ممکن نیست. جریان اقتصاد مقاومتی یک جریان فرهنگی و در بستر انقلاب اسلامی است. محور سوم، موضوعی است که تا حدی مغفول مانده و کمتر به آن پرداخته شده است. اقتصاد مقاومتی جنبه بومی دارد و برآمده از فرهنگ بومی و اسلامی و انقلابی است؛ اما مبتنی بر دلایل علمی (همان). مردم از نظر فرهنگی باید بدانند که ایران باید خود را از نظر اقتصادی توانمند سازد تا تهدید و فشارها بر کشور مؤثر نباشد؛ یعنی مردم باید بپذیرند که ما راهی نداریم (میرکازی، 1394). از طرفی، دانشگاه باید برای اصلاح و تغییر در شیوه‌ها و سرفصلهای آموزشی برنامه داشته باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه بوده و منابع انسانی خلاق، کارآفرین و نوآور به جامعه تحویل دهد. در راستای فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفت‌وگو، فراگیر و رایج ملی، دانشگاه می‌تواند با برگزاری کارگاههای آموزشی در سطح مدیران، اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان، سخنرانی‌های علمی در سطح گروه و دانشگاه و نیز استفاده از ظرفیتهای داخلی مانند نشریات، فصلنامه‌ها، پیک‌ها و صفحات اینترنتی به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کند. با توجه ظرفیتهای دانشگاهها، این حوزه علمی پژوهشی با پتانسیل بسیار زیاد فرهنگی و پژوهشی می‌تواند در ایجاد زیرساختهای مختلف ایفای نقش کند و از این طریق، چرخ اقتصاد مقاومتی را به خوبی بچرخاند؛ به شرطی که در مسیر پیش رو با توجه به چشم‌انداز به وظایف خود عمل کند. در این میان، زیرساخت فرهنگی با مؤلفه‌های مردم، دولت و بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران، موضوع بحث است. با توجه به نقش واسطه‌سازی فرهنگ در تحقق اقتصاد مقاومتی و اهمیت آن، به عنوان یک متغیر واسطه، کنکاش می‌شود. لذا فرضیه چهارم به صورت ذیل مفهوم‌سازی می‌شود:

فرضیه چهارم: زیرساخت فرهنگی نقش واسطه را در ارتباط بین دانشگاه و تحقق اقتصاد مقاومتی دارد.

ج) تحقیقات پیشین

خاوری (1394) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که اقتصاد مقاومتی، حدود 0/33 توسط مؤلفه‌های سرمایه‌فکری و سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود و سرمایه اجتماعی به میزان 0/52 و سرمایه فکری به میزان 0/44 در دستیابی به اقتصاد مقاومتی تأثیر دارند. فاخر، بهرام‌زاده و برهانی (1393) در مقاله‌ای مشترک به این نتیجه رسیدند که تمرکز بر نیروی داخلی، ریسک‌پذیری و مدیریت مصرف، در اولویت تحقق اقتصاد مقاومتی قرار دارند. نوری، هوشنگی و رشنوی (1392) با روش تحلیل اسناد و محتوا، پس از تعریف مصرف و مصرف‌گرایی در جامعه و بررسی آن از دید

دانشگاه و اقتصاد مقاومتی: بررسی تأثیر دانشگاهها بر تحقق اقتصاد مقاومتی ... ♦ 95

آموزه‌های اسلامی، به تبیین راهکارهای مدیریت مصرف در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی کشور با استفاده از رهنمودهای مقام معظم رهبری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که مصرف، به خودی خود پدیده‌ای مذموم نیست و اسلام نیز مسلمانان را برای تأمین نیازهای زندگی خویش تشویق می‌کند، اما مصرف‌گرایی و اسراف را مذموم می‌شمرد و آن را اولین گام از مراحل مدیریت مصرف می‌داند. سپس نهادینه کردن مصرف کالاهای تولید داخل و کنترل واردات را گامهای بعدی می‌شمرد.

پیرامون اقتصاد مقاومتی و اهمیت آن، تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. منتظر (2016) در مطالعه خود به بیان اهمیت اقتصاد مقاومتی از منظر رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. وی بیان کرده است که رهبر انقلاب اسلامی ایران در سالهای اخیر، در کلمات خود بارها و بارها بر اقتصاد و جنگ اقتصادی که توسط دشمنان جمهوری اسلامی به منظور مقابله با پیشرفتهای صورت گرفته، تأکید و همچنین بارها به راههای مقابله با آن اشاره کرده‌اند؛ حتی در نامگذاری هر سال، این موضوع را در نظر گرفته‌اند. رانو و مالوث¹ (2016) در مطالعه خود به تحقیقاتی اشاره کرده‌اند که پیرامون نقش دانشگاه و اثرات آن بر جامعه بحث شده است. آنان بیان کردند که محققانی همچون: مارکوسن (1996) و پورتر (1990) با تأکید بر نقش توسعه‌دهنده فناوری، به فعالیتهای آکادمیکی که منجر به توسعه فناوری‌های جدید و پرورش نیروهای مستعد می‌شود؛ کیبل و ویلیسون (1990) و لوسون و لورنر (1999) با تأکید بر اینکه دانشگاه مکانی است برای یادگیری جمعی، به دانش و فرایند ایجاد آن در دانشگاه؛ برزنتیز و آندرسون (2006)، کلاریس و همکاران (2005)، گرگوریو و شان (2003)، هندرسون (2006)، اوشنا و همکاران (2005) و اسلاتر و موهر (2006) با تأکید بر مشارکت مالی و اجتماعی دانشگاه در جامعه، به انتقال دانش؛ و گرگوریو و شان (2003)، رایت و همکاران (2007)، آلدريج و آندرسون (2011)، فاینی و همکاران (2010)، پاورز و مک‌دوگال (2005) و وان‌لوی و همکاران (2011) با تأکید بر ایجاد مراکز رشد، به تجاری‌سازی نتایج حاصل از دانش فنی و همه نوع دانش تولید شده در دانشگاه و بهبود محصولات تولید شده در مراکز رشد اشاره کردند که می‌توانند بر نقش دانشگاهها بر اقتصاد مقاومتی تأثیر بگذارند.

(د) روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را اساتید دانشگاههای استان مازندران در زمینه‌های علوم اقتصادی تشکیل داده‌اند که تعداد آنان 3500 نفر است. با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای متشکل از 410 نفر برای پاسخ به پرسشنامه محقق ساخته که به روش کیفی به دست آمد و روایی محتوای آن تأیید شده، استفاده شد. پرسشنامه این پژوهش شامل 42 سؤال مرتبط با متغیرهای پژوهش است. برای سنجش ابعاد اقتصاد مقاومتی از چهار سؤال، متغیر میانجی 34 سؤال و ابعاد دانشگاه نیز چهار سؤال استفاده شده است. پاسخهای این پرسشنامه از نوع بسته‌پاسخ با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از خیلی کم تا

خیلی زیاد بوده است. روایی صوری پرسشنامه با توجه به نظرات سه نفر از اساتید متخصص دانشگاه در زمینه مدیریت و سه نفر در زمینه اقتصاد ارزیابی شد. روایی سازه‌ای پرسشنامه نیز با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل ارزیابی شد. ابتدا برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار شاخص KMO برای تمام متغیرهای تحقیق بالاتر از 0/5 و سطح معناداری در آزمون بارتلت کوچک‌تر از 0/05 است، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب‌اند. همچنین با توجه به اینکه مقدار بارهای عاملی برای تمام متغیرهای آشکار بالای 0/3 بود، هیچ کدام از گویه‌ها کنار گذاشته نشدند. به منظور تعیین پایایی آزمون، روش آلفای کرونباخ به کار گرفته شد که تمامی مقادیر بالای 0/7 بود و می‌توان نتیجه گرفت ابزار از پایایی لازم برخوردار است.

همچنین حجم نمونه این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد. در این فرمول، مقدار واریانس به میزان 0/44 از طریق اجرای مقدماتی پرسشنامه و محاسبه واریانس به دست آمده است. طبق این فرمول، حجم نمونه متناسب با جامعه آماری 3500 نفر و دقت 0/04 به شرح ذیل است:

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} \quad d=0/04 \quad t=1/96, \quad S=0/44, \quad N=3500,$$

$$n = \frac{3500(1.96 \times 0.44)^2}{3500 \times (0.04)^2 + (1.96 \times 0.44)^2} = \frac{2603}{6.34} \approx 410$$

در این تحقیق با توجه همگن بودن گروه‌های مطالعه (دولتی، آزاد، غیر انتفاعی و علوم پزشکی)، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. در این روش، نمونه به گونه‌ای انتخاب می‌شود که زیرگروه‌های آن به همان نسبتی که در جامعه وجود دارند، در نمونه نیز حضور داشته باشند. بدین منظور پس از تعیین حجم نمونه در هر گروه، با استفاده از روش تصادفی افراد نمونه مشخص و پرسشنامه بین آنها توزیع شد.

ه) یافته‌های پژوهش

پیش از ارزیابی مدل ساختاری ارائه‌شده، لازم است معناداری وزن رگرسیونی [بار عاملی] سازه‌های مختلف پرسشنامه در پیش‌بینی گویه‌های مربوطه بررسی شده تا از برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری و قابل قبول بودن نشانگرهای آنها در اندازه‌گیری سازه‌ها اطمینان حاصل شود. این مهم، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی¹ و نرم‌افزار لیزرل به انجام رسید. با توجه به اینکه در مدل CFA برازش‌یافته، وزن رگرسیونی تمامی متغیرها، در پیش‌بینی گویه‌های پرسشنامه، در سطح اطمینان 99٪، دارای تفاوت معنادار با صفر بود، هیچ یک از گویه‌ها از فرایند تجزیه و تحلیل کنار گذاشته نشدند. مبنای معناداری گویه‌ها این است که سطح معناداری برای آنها زیر 05٪ باشد.

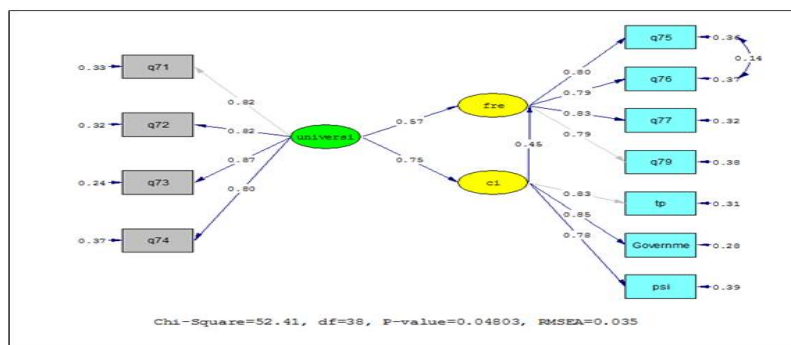
دانشگاه و اقتصاد مقاومتی: بررسی تأثیر دانشگاهها بر تحقق اقتصاد مقاومتی ... ♦ 97

لذا در نهایت، 42 گویه از پرسشنامه، تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای ابعاد معنادار، در جدول 1 ارائه شده است. این شاخصها نشان از برازش مطلوب مدلهای اندازه‌گیری داشته و معناداری بار شدن هر متغیر مشاهده‌شده به متغیر مکنون مربوطه تأیید شد.

جدول 1: نتایج تحلیل عاملی تأییدی

عامل	ابعاد	وزن رگرسیونی
دانشگاه	-	0/740
تحقق اقتصاد مقاومتی	-	0/863
زیرساخت فرهنگی	عامه مردم	0/853
	دولت	0/834
	سرما به گذاری بخش خصوصی	0/662

شکل 1، نشان‌دهنده مدل SEM برازش یافته است و شدت روابط بین متغیرها را روشن می‌سازد. در یک الگوی معادله ساختاری مطلوب، لازم است کای اسکور غیر معنادار، نسبت کای اسکور به درجه آزادی کمتر از 3، شاخصهای برازش هنجار شده و نیکویی برازش¹ بزرگتر از 80، شاخص برازش تطبیقی² بزرگتر از 0/9، شاخص تعدیل برازندگی³ بزرگتر از 0/9، و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد⁴ کوچکتر از 0/8، باشد. برای الگوی معادله ساختاری یافته، نسبت کای اسکور به درجه آزادی برابر با 1/30، شاخصهای برازش تطبیقی و نیکویی برازش به ترتیب 97، 96، و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد 045، به دست آمده است. کلیه شاخصهای برازش الگوی نهایی، از نقاط برش پیش گفته مطلوب‌ترند که از برازش کاملاً رضایت‌بخش مدل حکایت دارد.

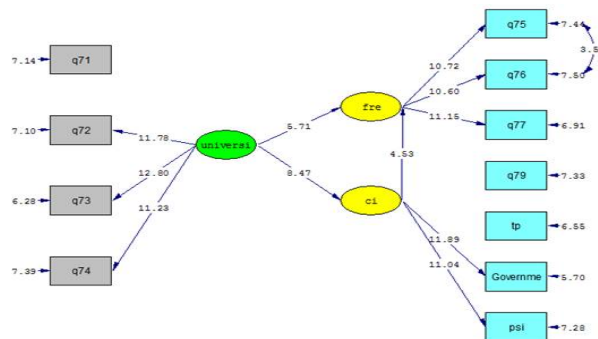


Fre=Fulfilling Resistive Economy, Ci=Cultural infrastructure, Tp=The public, Psi=Private sector investment, Governme. Governance.

شکل 1: مدل ساختاری تحقیق در حالت تخمین استاندارد

1. Normed Fit Index (NFI), Goodness-of-Fit Index (GFI)
2. Comparative Fit Index (CFI)
3. AGFI
4. Root Mean Squared Error of Approximation-RMSEA

نتایج بررسی شاخصهای نیکویی برازش مدل ساختاری پژوهش، نشان‌دهنده برازش مدل است؛ چرا که میزان کمتر از 0/05 نشانگر برازش قابل قبول مدل ساختاری است. همچنین مقادیر شاخص برازش تطبیقی (CFI=0/97)، شاخص برازندگی (GFI=0/96)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI =0/94)، شاخص نرم شده برازندگی (0/95=NFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI =0/94) همگی بالاتر از 0/9 هستند. همین‌طور شاخص $\frac{\chi^2}{df}$ (شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی) به مقدار 0/045، کوچک‌تر از 3 است.



Chi-Square=52.41, df=38, P-value=0.04803, RMSEA=0.035

Chi-Square=52.41, df=38, P-value=0.04803, RMSEA=0.035

شکل 2: مدل ساختاری تحقیق در حالت معناداری

در جدول 2، ضرایب مسیر و معناداری بین متغیرهای پژوهش آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضرایب مسیر برای هر سه رابطه بین دانشگاه و زیرساخت فرهنگی، دانشگاه و اقتصاد مقاومتی، زیرساخت فرهنگی و متغیر تحقق اقتصاد مقاومتی، در سطح 0/05 (تی بزرگ‌تر از 1/96) معنادار به دست آمده است.

جدول 2: ضرایب مسیر و معناداری

مسیر	نشان	ضریب مسیر (β)	معناداری (t-value)	نتیجه آزمون
دانشگاه - زیرساخت فرهنگی	University-ci	.75	8/47	تأیید
زیرساخت فرهنگی - تحقق اقتصاد مقاومتی	Ci - fre	.46	4/53	تأیید
دانشگاه - تحقق اقتصاد مقاومتی	University-fre	.57	5/71	تأیید

Chi-Square=52.41, df=38, P-value=0.04803, RMSEA=0.035

مدل برازش شده نشان می‌دهد مقدار ضریب مسیر میان دانشگاه و زیرساخت فرهنگی (U/I) است مقدار آماره تی (8/47) بالاتر از آستانه معناداری؛ یعنی 1/96 به دست آمده است که در نتیجه می‌توان گفت بین دانشگاه و زیرساخت فرهنگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دانشگاه و اقتصاد مقاومتی: بررسی تأثیر دانشگاهها بر تحقق اقتصاد مقاومتی ... ♦ 99

همچنین مقدار ضریب مسیر بین زیرساخت فرهنگی و تحقق اقتصاد مقاومتی 0/46 است. مقدار آماره تی (4/53) بالاتر از آستانه معناداری؛ یعنی 1/96 به دست آمده است که در نتیجه می توان گفت بین زیرساخت فرهنگی و تحقق اقتصاد مقاومتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ضریب مسیر برای رابطه دانشگاه و تحقق اقتصاد مقاومتی نیز 0/57 است. مقدار آماره تی (5/71) بالاتر از آستانه معناداری؛ یعنی 1/96 به دست آمده است که در نتیجه می توان گفت بین زیرساخت فرهنگی و تحقق اقتصاد مقاومتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بررسی نقش میانجی زیرساخت فرهنگی

به طور کلی انواع نقشهای یک متغیر میانجی را می توان به سه دسته ناقص (جزیی)، کامل و غیر مستقیم تقسیم کرد. میانجی گری ناقص (جزیی) هنگامی رخ می دهد که چه اثر مستقیم و چه اثر غیر مستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته، هر دو معنادار باشند. میانجی گری کامل هنگامی رخ می دهد که با اضافه کردن متغیر میانجی به مدل، اثر مستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته، معناداری خود را از دست بدهد (در واقع؛ قبل از وارد شدن متغیر میانجی این اثر معنادار بوده است). اثر غیر مستقیم نیز هنگامی وجود دارد که اثر مستقیم، چه قبل از ورود متغیر میانجی و چه بعد از آن، هرگز معنادار نبوده است. (هیر، هالت، رینگل و سارستد، 2013؛ نقل از: مصلح و اله یاری، 1393)

با توجه به توضیحاتی که در خصوص انواع تأثیرها و نقشهای مختلف یک متغیر میانجی داده شد، به خوبی می توان نقش میانجی زیرساخت فرهنگی را در ارتباط میان دانشگاه و اقتصاد مقاومتی بررسی کرد. جدولهای 3 و 4 به ترتیب ضریبهای تأثیر و عددهای معناداری را نشان می دهند.

جدول 3: ضرایب تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل

نام متغیر	اثر مستقیم		اثر کل
	زیرساخت فرهنگی	اقتصاد مقاومتی	
دانشگاه	0/75	0/57	0/90
		اقتصاد مقاومتی	اقتصاد مقاومتی

جدول 4: بررسی اثرات میانجی زیرساختها

متغیر	متغیر وارد شونده	ضریب معناداری با اقتصاد مقاومتی بعد از ورود متغیر میانجی	ضریب معناداری با اقتصاد میانجی قبل از ورود متغیر میانجی	اثر کل	اثر غیر مستقیم
دانشگاه	زیرساخت فرهنگی	5/71	9/45	مداخله ناقص	تأیید

همان گونه که در جدول 3 نشان داده شده و نتایج به دست آمده از فرمول اثر کل، نتایج حاکی از معناداری ضرایب در گامهای نخست برای متغیر زیرساخت فرهنگی است و شرایط اولیه برقرار است. اما در گام چهارم و ورود متغیر میانجی به معادلات رگرسیونی، اثر کل متغیر دانشگاه بر تحقق اقتصاد مقاومتی این اثر تغییر می کند.

بررسی اثر غیر مستقیم دانشگاه بر تحقق اقتصاد مقاومتی، حاکی از تأثیری نزدیک با اثر مستقیم آن بر اقتصاد مقاومتی است (0/57 در برابر 0/33 برای متغیر زیرساخت فرهنگی).

با این حال، هنگامی که این اثرات در کنار یکدیگر قرار بگیرند، تأثیر چشمگیری را نشان می‌دهند. همان‌گونه که مشخص است، میزان اثر کل دانشگاه بر تحقق اقتصاد مقاومتی با میانجی‌گری زیرساخت فرهنگی برابر 0/90 است. این میزان در مقایسه با اثر مستقیم آن بسیار چشمگیر است. به علاوه با توجه به اینکه تأثیر مستقیم دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی، چه قبل از دخالت دادن متغیر زیرساخت و چه بعد از آن، معناداری خود را حفظ کرده، می‌توان نتیجه گرفت که اثر مداخله‌ای زیرساخت فرهنگی در ارتباط میان دانشگاه و اقتصاد مقاومتی، از نوع اثرات مداخله‌ای ناقص است و به صورت کامل در این ارتباط مداخله نمی‌کند. به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز در این ارتباط دخیل‌اند.

(و) بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها، فرضیه اول که مبنی بر تأثیر دانشگاه بر زیرساخت فرهنگی است، تأیید شد که با نتایج مطرح شده در تحقیق اکبری و حسینی (1394) همراستاست. دانشگاه با تربیت نیروهای شایسته، بر دولت و مردم و سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. ورود نیروهای تحصیل‌کرده در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به جامعه و به کارگیری درست آنها توسط سازمانها، باعث رسیدن به اهداف اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران خواهد شد. همچنین کارکنان، مدیران و کارگرانی که در سازمانها و اجتماع وجود دارند، از دانشگاهها فارغ‌التحصیل شدند و دانشگاه تأثیر قابل توجهی بر زیرساختهای فرهنگی دارد. کارکنان دولت، بخش خصوصی و حتی مردم، از دانشگاه متأثر می‌شوند؛ چراکه نیروهای کار و اعضای خانواده از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند. در حقیقت؛ دانشگاه در کنار دولت، مهم‌ترین نقش را در راستای توسعه زیرساخت فرهنگی دارد، هرچند این نقشها در جامعه ما به طور کامل ایفا نمی‌شود.

فرضیه دوم که تأثیر زیرساخت فرهنگی را بر تحقق اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد نیز تأیید شد که با نتایج تحقیقات حشمتی و مولایی (1394) و اکبری دستک (1395) و استدلالهای امیری (1394) همخوانی دارد. در حقیقت؛ زیرساخت فرهنگی از مفاهیم مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی است. زیرساختهای فرهنگی، با تأثیری که از منابع انسانی، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست می‌پذیرند، نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارند. برای مثال، فرهنگ مقاومتی، جامعه مقاومتی و سیاستهای متناسب با اقتصاد مقاومتی می‌توانند باعث شوند تا افراد جامعه و مسئولان، همگی به دنبال کارآفرینی داخلی، واردات هدفمند، حمایت از تولیدکنندگان داخلی و رشد اقتصادی باشند.

فرضیه سوم مبنی بر تأثیر دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی نیز تأیید شد که با نتایج تحقیقات میرباقری (1393) و شرافتی و محمدی (1394) همخوانی دارد. دانشگاه با برنامه‌ریزی‌ها، تربیت نیروهای کار و دخالت در تعیین خط‌مشی باعث می‌شود تا اقتصاد مقاومتی بهتر تحقق یابد. در این راستا، توجه به نقشی که رؤسا، اساتید و دانشجویان بر اقتصاد مقاومتی دارند، از این جهت است که آنها می‌توانند با فعالیتهایی که در راستای فرهنگ، سیاست و اجتماع انجام می‌دهند، به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کنند.

فرضیه چهارم مبنی بر تأثیر نقش واسطه زیرساخت فرهنگی بر تحقق اقتصاد مقاومتی نیز تأیید شد که با نتایج تحقیقات اکبری و حسینی (1394) همخوانی دارد. دانشگاهها باید از طرق مختلفی بر اقتصاد مقاومتی تأثیر مثبت بگذارند. آنها می‌توانند از طریق تربیت نیروهای تحصیل کرده و تأمین منابع انسانی محیط کار، حرفه‌ای کردن کارکنان آینده و مدیران دولتی و بخش خصوصی، آموزشهای مجازی، همکاری سیاسی اساتید و دانشجویان در امور کشوری، استفاده از تولیدات داخلی، همایشهای هدفمند اقتصاد مقاومتی و استفاده از مراکز رشد دانشگاهی به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کنند. از طرفی، تأثیری دانشگاه بر فرهنگ اقشار جامعه، تأثیر توصیف ناپذیری بر تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. فرهنگ از جمله موضوعاتی است که توسط دانشگاهیان وارد بازار کار می‌شود. برای مثال، اگر دانشگاهها بر تربیت نسلی که مبتنی بر آموزشهای فرهنگی اند تلاش کنند یا بتوانند نقش فعال‌تری بر فرهنگ مدیران و کارکنان آینده‌ساز بگذارند، بسیار کارساز خواهند بود. فرهنگ دانشجویان علاوه بر اینکه بر خود دانشجویان تأثیر دارد، قابل انتقال به خانواده‌ها و دوستان آنهاست. از آنجا که تقریباً در اکثر خانواده‌ها، فرزندان دانشجو وجود دارد، تأثیرات دانشگاه از طریق فرهنگ بر تحقق اقتصاد مقاومتی، قابل تأمل است. لذا همراستا با آنچه پیغامی (1390) استدلال کرد، دانشگاهها با تأثیر و به واسطه مؤلفه‌های ذیل می‌توانند در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش آفرینی کنند. آنها از طریق افزایش میل نهایی به پس‌انداز و صرفه‌جویی در کالاهای راهبردی توسط مردم، بر اقتصاد مقاومتی تأثیر می‌گذارند. همچنین از طریق نیروهای تحصیل کرده و رایزنی‌ها در شفافیت قانون، شفافیت کسب و کار، شفافیت اطلاعات و کوچک‌سازی دولت می‌توانند نقش ایفا کنند. از طرفی، خلاقیت و مهارت فنی نیروی انسانی، تقویت باورها، تبدیل تجربه به دانش، حرکت برای دانش‌بنیان شدن اقتصاد و همچنین حرفه‌ای کردن اساتید، مدیران، کارکنان سازمانها نیز بر تحقق اقتصاد مقاومتی مؤثر خواهند بود.

چنانچه مصمم و معتقد باشیم که راه‌گریز از بحران اقتصاد ملی و بیکاری و راه توسعه اقتصادی و صنعتی جز از راه توسعه دانشگاهها و زیرساختهای فرهنگی میسر نخواهد بود؛ گامهای نخستین ذیل در نظرمان جلوه می‌نماید:

از آنجا که زیرساخت فرهنگی نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد و مبحث زیرساخت فرهنگی نیز همچون اقتصاد مقاومتی یک بحث در سطح کلان است، پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی، به خصوص دانشگاهها، در زمینه‌های فرهنگ مصرف، فرهنگ خرید، کار کردن، مقاومت، رشد و بازیابی بهتر در تمامی دوره‌های رونق و بحران، در پی نهادینه کردن فرهنگ صحیح باشند. از طرفی باید از راههای سیاسی - فرهنگی، نقش مردم و فرهنگ آنها را در تحقق اقتصاد مقاومتی پررنگ‌تر کرد. در این راستا می‌توان ابعاد فرهنگ مقاومتی را در دانشگاهها تدریس کرد و در جزیی از فصول برخی کتابها آن را آموزش داد. آموزش مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نقش را در توسعه دارد. باید مؤسسات آموزشی، اعم از دبیرستانها، مراکز آموزش حرفه‌ای، دانشکده‌ها و دانشگاهها آموزشهای لازم را برای توسعه و بهبود زیرساخت فرهنگی در دستور کار خود قرار دهند. در آموزشها باید به ابداع و خلاقیت بها داده شود، نه محفوظات.

پیشنهاد می‌شود تحقیقاتی که جنبه بنیادی دارند، بیشتر انجام شود. از آنجا که بیشتر تحقیقات در علم اقتصاد از روشهای کمی استفاده می‌کنند، نیاز است تا از جنبه‌های کیفی و بنیادی نیز به موضوعات تحقیق در دانشگاهها در

راستای تحقق اقتصاد مقاومتی توجه کرد؛ زیرا پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی نیاز به پژوهش‌های بنیادی دارد، به خصوص زمانی که با فرهنگ مردم پیوند می‌خورد.

از آنجا که یکی از ابعاد زیرساخت فرهنگی، نقش دولت است؛ پیشنهادهایی برای اجرایی کردن هر چه بهتر اقتصاد مقاومتی برای دولت نیز مهم است. بعضی از قوانین با اقتصاد مقاومتی همخوانی ندارند. لزوم تغییر در قانون کار، اصلاح ساختار پولی و نظام بانکی، نظام مالیاتی، قانون گمرک، و قانون تجارت ضروری است. همچنین مدیران بخش دولتی نسبت به آسیب‌شناسی در قوانین و مقررات داخلی اقدام کنند و تمام موانعی را که سبب طولانی شدن مراحل کار بنگاه‌های اقتصادی در دستگاه‌های دولتی می‌شوند، بازنگری و مهندسی مجدد کنند و در رفع سریع آنها بکوشند. دستگاه‌های نظارتی نیز نظارت دقیق در اجرایی شدن اهداف مهم اقتصاد مقاومتی داشته باشند.

دانشگاهها و دستگاه‌های دولتی با زمینه‌سازی آموزشی نسبت به فرهنگ‌سازی برای اقتصاد مقاومتی در بین کارکنان و دانشجویان اقدام کنند. پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه دانشگاه می‌تواند مدل مفهومی و الگوی علمی و بومی را طراحی و برنامه‌های عملیاتی و اقدامات لازم را برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در سطح کشور پیش‌بینی کند، توجه بیشتری به ارتباط دانشگاه با صنعت و همچنین سیاستگذاری‌ها شود. در این راستا، دانشگاهها باید ارتباط دانشجویان و اساتید خود را با صنعت بیشتر کنند. دانشگاهها باید طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد را در ارتباط واقعی (و نه ظاهری) با صنعت ارائه کنند. همچنین ارتقای اساتید باید منوط به این باشد که در یک سازمان یا شرکت، همکاری‌های صنعتی قابل تأیید داشته باشند. از طرفی، کارگروه اقتصاد مقاومتی را باید با انجام تحقیقات و آموزش‌های کاربردی (و نه سخنرانی‌های نمایشی) هدایت و کنترل کرد.

در ارتباط با جنبه‌های تحقیقاتی نیز پیشنهاد می‌شود پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی به نقش عملی مردم، دولت و بانکها در تحقق اقتصاد مقاومتی توجه بیشتری کنند. همچنین پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، از سطح کشوری در سطوح سازمانی یا سازمانهای تولیدی و خدماتی انجام شود. همچنین از فعالیتهایی که نشان‌دهنده مقاومت است، الگو برداری شود و با توجه به اینکه عموماً راهبردهای دانشگاهی وارد سازمانهای اتخاذکننده تصمیم و سپس وارد نهادهای اجرایی می‌شوند، این نشان می‌دهد که بهترین مکان برای پرداختن به ایده‌ها و نظریه‌مند کردن آنها، دانشگاهها هستند؛ زیرا سازمانها و نهادهای اجرایی توان و حوصله و فرصت پرورش و کاربردی کردن ایده‌ها را ندارند. در همین راستا، ضرورت دارد دانشگاهها به دنبال تشکیل کمیته‌های اقتصاد مقاومتی و سوق دادن پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی کاربردی به این سمت باشند.



منابع

- آجیلی، هادی (1392). «اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی». علوم سیاسی، 9(24).
- اسدی، علی (1393). «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی». سیاستهای راهبردی و کلان، ش 2 (5): 39-25.
- اکبری، اعظم و حسن حسینی میرزا (1394). «بررسی نقش مدیریت جهادی و دانشگاهها در فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی». همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی. شیراز. خرداد.
- اکبری دستک، فیض الله (1395). «جایگاه فرهنگ قناعت (اقدام و عمل) و کارکردهای آن در تبیین و تحکیم مبانی اقتصاد مقاومتی از نگاه تعالیم اسلامی». بصیرت و تربیت اسلامی، ش 13 (36): 47-27.
- امیری طهرانی زاده، سید محمدرضا (1394). «مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی». جستارهای اقتصادی ایران، ش 12 (23): 51-33.
- پیغامی، عادل (1390). «مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی». نوشتاری از دکتر پیغامی پیرامون اقتصاد مقاومتی، بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- پیغامی، عادل؛ مصطفی سمیعی نسب و یاسر سلیمانی (1395). «مقاوم سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری». جلد اول: تاب آوری و آسیب پذیری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- حشمتی، حسین و حسین مولایی (1394). «ریشه های هنجاری در اقتصاد مقاومتی». روند، ش 22 (17): 192-169.
- خامنه‌ای، سید علی (1389). «بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان».
- خاوری، سید عبدالله (1394). «ارائه مدل دستیابی به اقتصاد مقاومتی با تأکید بر نقش سرمایه فکری و اجتماعی نیروی کار. تهران: سازمان فنی حرفه‌ای».
- درخشان، مسعود (1393). «تبیین ابعاد سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی». چهارمین جلسه از سلسله نشستهای اقتصاد اسلامی، 15 آذر. تهران: مؤسسه علمی - فرهنگی سدید.
- سعیدی کیا، مهدی (1384). اصول و مبانی کارآفرینی. تهران: کیا، چ هفتم.
- شرافتی، فاطمه و راضیه محمدی (1394). «نقش دانشگاه در ترویج خودکفایی اقتصادی». اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و تأکید بر پژوهشهای نوین. مازندران، ساری، هشتم اسفند.
- عبدالملکی، حجت اله (1395). اقتصاد مقاومتی در آمدی بر مبانی، سیاست ها و برنامه عمل. تهران: امام صادق (ع).
- غفارپور، داوود و زهره پورحاتمی (1391). «اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت اقتصادی». تارنمای سازمان امور اقتصادی و دارایی مرکزی. info@mefa.ir
- فاخر، غدیر؛ حسینعلی بهرامزاده و وجیهه برهانی (1393). نقش فرهنگ کارآفرینی سازمانی در اقتصاد کشور. تهران: سازمان فنی و حرفه‌ای.
- فتحی، محمدسجاد (1393). تفاوت اقتصاد مقاومتی و ریاضتی. تهران: دانشگاه علوم .
- قاسمی، علی (1391). رویکرد اقتصاد مقاومتی در سبک زندگی. تهران: دانشگاه فرهنگیان.

- مصلح، عبدالحمید و احمد اله یاری یوزنجانی (1393). «توسعه محصولات نوآورانه: اثر بازاریابی درونی و نقش میانجی هوش سازمانی». مدیریت نوآوری، ش 3 (2): 49-72.
- مصلی نژاد، غلام عباس (1384). آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران. تهران: قومس.
- میرباقری رودباری، سیده آمنه (1393). «نقش دانشگاه در اجرایی شدن الگوی اقتصاد مقاومتی». دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد تحت تحریم. بابلسر.
- میرکازمی ریگی، فیصل (1394). «نقش کارآفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور». اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی. خراسان.
- نوری، هادی؛ مهرباب هوشنگی و میلاد رشوی (1392). «تبیین راهکارهای مدیریت مصرف بر مبنای اقتصاد مقاومتی در جهت رشد اقتصادی کشور با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری». همایش سراسری مروری بر تاریخ اقتصاد مقاومتی در ایران. محلات: دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات.
- Ajili, Hadi (2013). “Resistance Economics in the World Economic Politics System”. *Specialized Journal of Political Science*, 9 (24).
- Akbari Dastak, Feizollah (2016). “Place of Contentment Culture (Action) and its Functions in Defining and Strengthening the Foundation of Resistance Economy”. *Perspective of Islamic Teachings*, 13 (36): 27-47.
- Akbari, Azam & H. Hoseini (2015). “Investigating the Role of Jihadist Management and Universities in Developing Resistance Economics”. *National Conference on the Millennium and Humanities*. Shiraz, May.
- Amiri Tehranizade & Seyed Mohammad Reza (2015). “System Basics of Resistance Economics”. *Iranian Journal of Economic Research*, P. 33-51.
- Artir, A.; S. Bahour & S. Abdelnour (2012). “Defeating Dependency, Creating a Resistance Economy”. *Policy Brief, Al-Shabaka*, Washington D.C.
- Asadi, Ali (2014). “Islamic Economic System Perfect Model for Resistance Economy”. *Quarterly Journal of Strategic and Military Policies*, P. 25-39.
- Briguglio, L. & P. Stephen (2009). Growth and Resilience in East Asia and the Impact of the 2009 Global Recession.
- Derakhshan, Masoud (2014). **Explaining the Dimensions of General Politics of Resistance Economics**. The Fourth Meeting of the Islamic Economy Sessions. Tehran: SADID Scientific-Cultural Institute.
- Etzkowitz, H. & L. Leydesdorff (2000). “The Dynamics of Innovation: from National Systems and “Mode 2” to a Triple Helix of University-Industry-Government Relations”. *Research Policy*, 29 (2): 109-123.
- Fagher, Ghadir; Hossienali Bahramzade & Vajiehe Borhani (2014). **The Role of Entrepreneurship Culture in the Country's Economy**. Tehran: Vocational Organization.
- Ghaffarpour, Davood & Zohreh Pourhatami (2012). “Resistance Economics, the Need for Economic Resistance”. *Central Organization for Economic Affairs and Assets*.
- Ghanaati, S.; A. Kordnaeig & H. Yazdani (2010). “Check the Status of Entrepreneurial Organizational Culture at the University of Tehran”. *Entrepreneurial Development*, 3 (10): 1-115.

- Ghasemi, Ali (2012). **Resistance Economics Approach in Lifestyle**. Tehran: Farhangian University.
- Heshmati, Hassan & H. Molaii (2015). “**Normative Roots in Resistance Economy**”. *Ravand Quarterly*, P. 169-192.
- Khamenei, Seyed Ali (2010). “**Leader's Statements in a Meeting of a Group of Entrepreneurs**”.
- Khavari, Seyed Abdollah (2015). “**Provide a Model for Achieving a Resilient Economy with an Emphasis on the Role of the Intellectual and Social Capital of the Workforce**”. *Professional Technical Organization*. Tehran.
- Lane, K.E.; T.J. McCormack & M.D. Richardson (2013). “**Resilient Leaders: Essential for Organizational Innovation**”. *International Journal of Organizational Innovation (Online)*, 6 (2): 7.
- Mallak, L. (1998). “**Putting Organizational Resilience to Work**”. *Industrial Management (Norcross, Georgia)*, 40 (6 NOV./DEC.): 8-13.
- Mirbagheri Roudbari, Seyed Amene (2014). “**The Role of University in the Formation of a Resilient Economy Model**”. *Second International Conference on Economic Sanctions*. Babolsar.
- Mirkazehi Rigi, Feisal (2015). “**The Role of Entrepreneurship in Realizing the Resistance Economy in the Country**”. *The First Conference on Management and Business in the Context of the Resistance Economy*. Khorasan.
- Montazar, M.H. (2016). “**Resistance Economy and Ways to Achieve this Goal**”. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*.(n.6):70-81
- Mosallanejad, Gholam Abbas (2005). **Pathology of Economic Development in Iran**. Tehran: Gomes Publication.
- Mosleh, Abdolhamid & Ahmad Allahyari Bonzenjani (2014). “**Innovative Product Development: the Effect of Internal Market Orientation and the Role of Mediator of Enterprise Intelligence**”. *Innovation Management*.
- Nouri, Hadi; M. Hoshangi & M. Reshnavi (2013). “**The Explanation of the Consumption Management Strategies Based on the Resistance Economy for the Country's Economic Growth, With Emphasis on the Orders of the Supreme Leader**”. A National Conference on the History of Resistance Economy in Iran. Mahallat: Islamic Azad University, Mahallat Branch.
- Peyghami, Adel (2011). “**Economic Resistance or Resistance Economics**”. Written by Dr. Peyghami on Resistance Economics.
- Peyghami, Adel; M. Saminasab & Y. Soleymani (2016). **Economic Reform in Conventional Literature, Scientific and Theoretical Foundations**; Vol. 1: Resilience and Vulnerability. Tehran: Imam Sadiq University Press (AS).
- Rao, B. & B. Mulloth (2016). “**The Role of Universities in Encouraging Growth of Technology-Based New Ventures**”. *International Journal of Innovation and Technology Management*, 14 (4): 17500141-175001422.
- Roos, G. & J. Roos (1997). “**Measuring Your Company's Intellectual Performance**”. *Long Range Planning*, Vol. 30, No. 3: 413-426.

- Rose, A.Z. & E. Krausmann (2013). “**An Economic Framework for the Development of a Resilience Index for Business Recovery**”. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, P. 73-83.
- Saeedikia, Mehdi (2005). **The Principles of Entrepreneurship**. Seventh Print, Tehran: Kia Publications.
- Salamzadeh, A.; J.Y. Farsi, M. Motavaseli, M.R. Markovic & H.K. Kesim (2015). “**Institutional Factors Affecting the Transformation of Entrepreneurial Universities**”. *International Journal of Business and Globalization*, 14 (3): 271-291.
- Sherafati, Fatemeh & Razieh Mohammadi (2015). “**The Role of the University in Promoting Economic Self-Sufficiency**”. *The First International Human Sciences Conference with a Native-Islamic Approach and Emphasis on Modern Research*. Mazandaran Province, Sari- March 8th.
- Toumaj, A. (2014). “**Iran’s Economy of Resistance: Implications for Future Sanctions**”. *Critical Threats Project of the American Enterprise Institute*.
- Van Bergeijk, P.A.G.; S. Brakman & C.V. Marrewijk (2016). “**Heterogeneous Economic Resilience and the Great Recession’s World Trade Collapse**”. *Papers in Regional Science*, 1-10, doi:10.1111/pirs.12279.
- Wilson, R.L. (2010). **Organizational Resilience Models Applied to Companies in Bankruptcy**: University of Maryland University College.

